

کنفرانس تهران- گزارش مترجم استالین-8

در پایان جنگ دوم چرچیل پایه های جنگ سرد را ساخت

دستگاه تبلیغاتی غرب بی وقفه اتحاد شوروی را متهم به «تجزیه اروپا» و «تقسیم آلمان» می کند. در ضمن، به کنفرانس های بین المللی زمان جنگ در تهران و یالتا استناد می شود که گویا اتحاد شوروی در آنجا تصمیماتی را به شرکت کنندگان در اجلاس تحمیل کرده بود که منجر به «تجزیه» اروپا گردید.

واقعیت از چه قرار بود؟ حقیقت آنست که در کنفرانس تهران مسئله اقدامات متحد در مورد سرنوشت آلمان، پس از شکست آن مورد بحث قرار گرفت. بر سر این موضوع که قدرت های «محور» فاشیستی (آلمان، ایتالیا، ژاپن) باید بدون قید و شرط باید تسلیم شوند اختلاف نظری نبود. اما لازم بود فکرکرد چه اقداماتی باید صورت گیرد تا آلمان که در طول عمر یک نسل دو بار بشریت را به ورطه همه کشی انداخته بود دگرهیچ وقت نتواند دست به تجاوز جدید بزند.

برای اولین بار این موضوع 28 نوامبر، شب هنگام مورد بحث قرار گرفت. آن روز نسبتاً خسته کننده بود و روزولت که خسته بنظر می رسید با عذرخواهی از همتایان خود پس آنکه همه از سرمیز بر خاستند به اقامتگاه خود رفت. چرچیل، استالین، ایدن و مولوتف به اطاق مجاور که قهوه در آنجا حاضر بود، رفتند.

چرچیل گفت که متحدین باید چنان ضربه دندان شکنی بر آلمان وارد کنند که دیگر هیچ وقت نتواند سایرملل را تهدید کند. استالین با این حرف موافقت کرد ولی افزود که اگر تدابیر خاصی اتخاذ نگردد آلمان بزودی قدرت خود را بازیافته و دوباره صلح را تهدید خواهد کرد. چرچیل مخالفت کرده گفت که هم اکنون در نتیجه تلفات زیاد آلمان در جبهه شوروی و نیز بمباران های آلمان از طرف نیروی هوایی متحدین منابع انسانی و قدرت نظامی و صنعتی آن تا اندازه زیاد کم شده و در اواخر جنگ، آلمان چنان ضرباتی خواهد خورد و بقدری ویران خواهد گردید که به هیچ وجه نخواهد توانست نیرویش را باز یابد. استالین لبخند زده گفت:

می بینیم شما بسیار خوشبین هستید. متأسفانه من نمی توانم در این خوشبینی شریک شوم. شرایط خاص آلمان، چنان است که بارها خواهد توانست صلح را به خطر اندازد. ولیکن ما البته می توانیم سعی کنیم این شرائط را تغییر دهیم...

چرچیل احساس کرد استالین موضوع نظام اجتماعی آلمان بعد از جنگ را مطرح می کند. فوراً موضوع صحبت را تغییر داد. در آن شب مسئله آلمان دیگر مطرح نشد. روز بعد استالین ضمن دیدار خصوصی با روزولت درباره صحبت خود با چرچیل به او گفت:

- پس از آنکه شما رفتید من با چرچیل راجع به حفظ صلح در آینده صحبت کردم. چرچیل بسیار سرسری این موضوع را در نظر می گیرد. او عقیده دارد که آلمان نخواهد توانست بزودی قدرت خود را باز یابد. من با این عقیده مخالفم و فکر می کنم که این امر ممکن است زود صورت بگیرد. برای این کار تنها 15-20 سال لازم خواهد داشت، در صورتی که هیچ چیز مانع آلمان نشود. نخستین جنگ بزرگی را که آلمان در نیمه دوم قرن گذشته شروع کرده بود در سال 1871 خاتمه یافت. فقط 43 سال بعد از آن جنگ یعنی در سال

1914 آلمانی ها جنگ جدیدی را آغاز کردند و پس از 21 سال دیگر در سال 1939، باز هم دست به جنگ زدند. آشکار است مدتی که برای بازیابی قدرت آلمان لازم است کوتاه می شود و در آینده نیز شاید کوتاه تر شود.

استالین ضمن استدلال خود، اظهار عقیده کرد که بسیار مشکل بتوان وضعی را تعیین کرد که آلمان یکبار دیگر سایر ملل را تهدید نکند. ما هر ممنوعیتی را که برای آلمانی ها وضع کنیم آنها امکان خواهند یافت از زیر بار این ممنوعیت ها فرار کنند. اگرما آلمان را از تولید گلوله توپ و اژدر منع کنیم نمی توانیم کارخانه های ساعت سازی آن را ببندیم، در حالی که هر کارخانه ساعت سازی بزودی خواهد توانست تولید مهمترین قطعات گلوله و اژدر را راه اندازی کند. بنا براین، آلمان می تواند قدرت خود را بازیافته و دست به تجاوز بزند. او ادامه داد:

- برای پیشگیری از تجاوز لازم است که ما بتوانیم مهمترین نقاط سوق الجیشی را اشغال کنیم، تا آلمان نتواند آنها را اشغال کند. باید چنین نقاطی را نه تنها در اروپا، بلکه در خاور دور هم اشغال کرد تا ژاپن نتواند دست به تجاوز جدید بزند. یک نهاد ویژه ای باید تاسیس شود که حق داشته باشد نقاط مهم سوق الجیشی را اشغال کند. هرگاه آلمان و ژاپن تهدید به تجاوز کنند این نقاط باید فوراً اشغال گردد تا آلمان و ژاپن محاصره و سرکوب شوند...

- روزولت گفت:

با نظر شما صد درصد موافقم. البته آلمانی ها می توانند در کارخانه های خود تولید نظامی را سازمان دهند ولی در این صورت واکنش سریع ضرور است و اگر تدابیر قاطعی اتخاذ گردد آلمان وقت کافی برای تسلیح خود نخواهد داشت.

استالین لبخند زد و گفت:

- در این صورت همه چیز تامین است.

هنگام اجلاس عمومی، دسامبر شرکت کنندگان کنفرانس دوباره موضوع آلمان را مطرح کردند. روزولت گفت که پیشنهادی راجع به تجزیه آلمان موجود است و باید این موضع را با تفصیل بیشتر مورد بحث قرارداد.

پس از رئیس جمهور آمریکا چرچیل که لابد از این طرز طرح مسئله آگاهی داشت، حرف زد. او قطعانه از روزولت پشتیبانی کرد:

- من طرفدار تجزیه آلمان هستم. اما می خواهم به مسئله تجزیه پروس فکر کنم. همچنین من طرفدار جدائی باواریه و استانهای دیگر از آلمان هستم.

پیشنهاد چرچیل تا اندازه ای غیر مترقبه بود و سکوت در تالار حکمفرما گردید. روزولت دوباره به حرف آمده گفت:

- برای جدی تر شدن بحث، می خواهم نقشه ای را که دوماه پیش شخصاً در مورد تجزیه آلمان به 5 دولت کشیده بودم، تشریح کنم.

چرچیل میان حرف او پریده گفت:

- می خواستم تاکید کنم که پروس ریشه شرارت های آلمان است.

روزولت به علامت تصدیق سرش را تکان داد و حرفش را ادامه داد:

- من می خواهم اول تصویر کلی در نظرمان مجسم کرده باشیم و سپس راجع به جزئیات گفتگو کنیم. بنظر من باید پروس را تا حد امکان ضعیف ساخت و از وسعت آن کاست. پروس باید اولین جزء مستقل آلمان شود. دومین جزء مستقل باید از هانوفر و نواحی شمال غربی آلمان تشکیل گردد. سومین جزء از ساکسن و ناحیه لایپزیک، چهارمین جزء از استان هسن، دارمشتادت، کاسل و نواحی جنوب راین و نیز شهرهای قدیمی وستفالن، و پنجمین جزء عبارت از باواریه، بادن و وورتمبرگ باشد. هر یک از این پنج جزء دولت مستقلی باشد.

علاوه بر این نواحی هامبورگ و کانال کیل باید از آلمان جدا شود و ملل متحد یا چهار قدرت برانجا حکومت برانند. نواحی رور و سار نیز باید تحت کنترل ملل متحد و یا تمام اروپا قرار داده شود. این پیشنهاد من است. باید خاطرنشان کنم که این پیشنهاد فقط تقریبی است...

در شرایط آن روز که تقریباً تمام اروپا هنوز زیر پاشنه فاشیسم قرار داشت پیشنهاد روزولت راجع به تجزیه آلمان دور از واقعیت بنظر می رسید. علاوه بر این، از همان اول این نیت بوجود آمده بود که آیا در اواسط قرن 20- م می توان خلق آلمان را واداشت احیای دولت های کوچک دوران دوک ها را قبول کند؟ آیا رئیس جمهور امریکا در تجدید نظر در نقشه آلمان زیاده روی نکرده است؟

اما چرچیل از فکر روزولت پشتیبانی کرده و خطاب به رئیس جمهور گفت:
- شما سببی از مطالب را خالی کردید. بنظر من دو مسئله وجود دارد. یکی تخریب و دیگری سازندگی. من دو فکرم دارم: اولی جداسازی پروس از آلمان و دومی جداسازی استانهای جنوبی آلمان: باواریه، بادن، وورتمبرگ، پالاتینات، ازسار تا ساکسن با خود ساکسن، من پروس را در شرایط سخت قرار میدادم. بنظر من آسان بتوان استانهای جنوبی را از پروس جدا ساخت و در اتحادیه دانوب مشمول کرد. مردم مقیم حوزه دانوب عامل جنگ نیستند. بهر صورت با اهالی پروس روش به مراتب سخت تری را در پیش می گرفتیم تا با بقیه آلمانی ها، آلمانی های جنوبی دست به جنگ جدیدی نخواهند زد.
این استدالات چرچیل فصل جدیدی را در موضوع سرنوشت آلمان باز می کرد. وی ضمن جانبداری از تجزیه آلمان و سرکوبی پروس، موضوع را به ایجاد ساختاری می کشانید که شبیه به پادشاهی تکه پاره هامبورگ بود. مفهوم استدلال های وی در مورد اتحادیه دانوب همین بود.

استالین نسبت به این نقشه دید منفی داشت.
- ما هر برخوردی به مسئله تجزیه آلمان داشته باشیم لازم نیست هیچ اتحادیه غیر قابل زیست دول دانوبی را ایجاد کنیم. مجارستان و اتریش باید جدا از هم وجود داشته باشند. اتریش تا قبل از استیلای هیتلری یک دولت مستقل بود.

سپس چرچیل دوباره حرف زد:
- می خواستم بگویم اگر آلمان به چند جزء تقسیم شود و اگر ترکیباتی از این اجزاء تشکیل نگرند روزی فرا خواهد رسید که آلمانی ها متحد خواهند شد.
- هیچ تدابیری وجود ندارد که بتواند امکان اتحاد را منتفی سازد.
چرچیل پرسید:

- مارشال استالین یک اروپای تجزیه شده را ترجیح می دهد؟
استالین پاسخ داد.

- اروپا چه ربطی دارد؟ من نمی دانم آیا لازم است که 5 و یا 6 دولت آلمانی مستقل ایجاد گردد. این مسئله را باید مورد بحث قرار داد...

این مسئله دوباره در کنفرانس کریمه در ماه فوریه از طرف قدرتهای غرب مطرح شد. ولی در آنجا هم اندیشه تجزیه آلمان مورد پشتیبانی طرف شوروی قرار نگرفت. نماینده شوروی در کمیسیون سه جانبه پیشنهادات انگلیس و امریکا را در مورد تجزیه آلمان رد کرد.
موضع دولت شوروی نسبت به این مسئله بوضوح تعیین شده بود. رئیس دولت شوروی هنگام سخنرانی خود در روز پیروزی بر آلمان هیتلری، 9 ماه مه سال 1945، اعلام نمود که اتحاد شوروی « قصد ندارد آلمان را تجزیه یا نابود کند ».

مجازات مجرمین نظامی

مسئله مجازات مجرمین نظامی فاشیستی درمیان دیگرمسائل درکنفرانس تهران بررسی گردید. البته، این بحث غیررسمی بود و درمحیط غیر رسمی و درضیافت نهار سه رهبر و نزدیکترین مشاورین آنها صورت گرفت.

درخاتمه نهاراستالین به پا خواست و راجع به سرنوشت مجرمین نظامی نازی حرف زد. وی گفت:

- من پیشنهاد می کنم هرچه زودتر همه مجرمین نظامی آلمان محاکمه و به اشد مجازات برسند. آنها باید مجازات شوند. هیچ یک از آنها نباید از مجازات بگریزند، هیچ یک نباید در گوشه و کنار دنیا پنهان شوند. فکر می کنم تعداد این گونه مجرمین نازی کم نخواهد بود... به مجرد این که این حرف به انگلیسی ترجمه شد، چرچیل اعلام کرد:

- چنین نظری از بن و ریشه با حس انگلیسی عدالت مغایرت دارد! انگلیسی ها با چنین مجازات همگانی هیچ وقت موافقت نخواهند کرد. من عقیده قطعی دارم که هیچ کس اعم از این که نازی باشد یا نباشد با هر شواهد و قرائنی که علیه او وجود داشته باشد نباید بدون محاکمه اعدام شود!

همه به طرف استالین نگاه کردند. او با آرامش خاطر کامل به حرفهای هیجان آمیز نخست وزیر انگلیسی واکنش نشان داد و به توضیح مفصل ماهیت پیشنهاد خود پرداخت. وی گفت:

- منظورم این نیست که مجرمین نازی بدون محاکمه مجازات شوند. پرونده هر مجرم باید با دقت بررسی شود. اما هم اکنون واضح است که با این وحشیگری های گسترده هیتلری ها در بین آنها باید ده ها نفر مجرم وجود داشته باشند. استالین از روزولت که ساکت شاهد این صحنه بود نظرش را خواست. رئیس جمهور گفت:

- طبق معمول آشکار است که من مجبورم در این بحث داوری کنم. کاملاً آشکار است که باید راه سازی میان موضع شما، مارشال استالین، و موضع نخست وزیر، دوست صمیمی من پیدا کرد.

نمایندگان شوروی و امریکا که از نکته پردازی رئیس جمهور خوششان آمده بود خندیدند. لیکن انگلیسی ها درحالی که به رهبر خود نگاه می کردند، سکوت کردند. هپکینس معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا گفت:

- بیائید این بحث را قطع کنیم. چندین مایل راه تا آلمان و چندین ماه تا روزپروزی بر آلمان درپیش است...

اما استالین همچنان نظرهریک از حضار را می پرسید. بالاخره به الیوت روزولت پسر رئیس جمهور که او نیز در نهار حاضر بود، رسید. او از جایش بلند شد و با کمی شکسته نفسی ولی محکم گفت:

- آیا این مسئله زیاد عالمانه نیست، زیرا وقتی ارتش های ما از سوی غرب حرکت کنند و روسها از سوی شرق به تعرض ادامه بدهند این مسئله در عمل حل خواهد شد. این طور نیست؟ سربازان روسی، امریکائی و انگلیسی کاربیشتر این مجرمین را درنبرد یکسره خواهند کرد...

استالین که از این حرف خوشش آمده بود، جام خود را بلند کرد و گفت:

- جواب حسابی است! به سلامتی شما، الیوت!

در این لحظه چرچیل بالای میز به جلو خم شده و با انگشت سبابه اش الیوت را تهدید کرده با صدای بلند گفت:

- پس شما می خواهید میانه متحدین را خراب کنید؟ آیا شما از معنی حرفتان آگاهی دارید؟

بزودی همه به اطاق مجاور رفتند تا قهوه بخورند. ولی چرچیل در آن شب به نمایندگان شوروی نزدیک نشد. واکنش عصبانیت آمیز چرچیل به پیشنهاد مجازات مجرمین نظامی نازی غریب بنظر می رسید.

واکنش رهبری که امضای او زیر اعلامیه سران دول سه قدرت ائتلاف ضد هیتلری که در ماه نوامبر سال 1943 هنگام جلسه مشاوره وزرای خارجه سه قدرت درمسکو منتشر شده بود، قرار داشت.

اعلامیه ای که در آن مسئولیت هیتلری ها در برابر جنایات مورد تاکید قرار گرفته و زیر آن را روزولت و استالین نیز امضاء کرده بودند. در این اعلامیه آمده بود: "... آلمانی هائی که در تیرباران همگانی افسران ایتالیائی یا در اعدام گروگان های فرانسوی، هلندی، بلژیکی و نروژی یا دهقانان قبرس شرکت کرده اند و یا کسانی که در قتل عام مردم لهستان یا قتل عام مردم اتحاد شوروی شرکت کرده اند باید بدانند که به محل جرم بازگردانده شده و در برابر مردم محاکمه خواهند شد. بگذار کسانی که هنوز دستشان بخون افراد بیگناه آغشته نشده این را ببینند تا در حساب خود را از مجرمین جدا کنند و مرتکب جنایت نشوند. سه قدرت متحد حتما باید آنها را در هر گوشه جهان که یافتند به محل جرم و جنایت بازگرداند و تحویل دادگاه دهند...."

بنظر می رسید که پس از این اعلامیه، پیشنهاد مجازات مجرمین نظامی هیتلری با مخالفتی روبرو نخواهد شد. موضوع بر سر مجازات مجرمین نازی بود، نه بر سر انتقام از آلمانی ها . لیکن چرچیل شاید به فکر استفاده از نظامیان هیتلری برای ایجاد "حریم بهداشتی" جدید در اطراف روسیه شوروی بود.